

اجتماعات کنونی بشمار آوریم رامعالمه نبوده ایم .

دکتر Ringel « اسناد بعضی روانی و اعصاب بیمارستان وابسته به دانشگاه دین »
 بان این تحقیقات درباره شروع انتحار در میان دختران پسران جوان است و بررسیهای او
 حقیقتاً با آمار های تکان دهنده و هولناکی شروع میشود : بنا به این بررسیها : از سال
 ۱۹۴۸ تا ۱۹۵۶ تنها تعداد انتحارهای به نتیجه نرسیده اینکه عاملین آن به بیمارستان محل
 کارد کتر من کورمنقل شده اند از ۶۵۰ حادثه در سال به ۱۰۴۰ حادثه در سال . افزایش یافته
 و این نسبت از سال ۱۹۵۶ تا اول سال حاضر تقریباً بطور ثابت باقی مانده یعنی هر سال ۱۰۴۰
 خود کشی !

در بازده های هم که از سال حاضر میگذرد تعداد خود کشیها به ۹۵۳ رسیده و با ملاحظه
 اینکه این رقم تنها مربوط به بازده های از سال حاضر است همان نسبت سالانه کاملاً محفوظ میباشد .
 در این بررسیها ثابت شده که زنان عموماً بیش از مردان دست بخود کشی میزنند مثلاً در
 سال ۱۹۴۸ تا سال ۱۹۵۹ تقریباً تعداد خود کشیهای زنان سه ساله بالغ بر ۵۶ درصد از مجموع
 خود کشیهای آنسال بوده است .

همچنانکه این بررسیها نشان داده که میزان خود کشی در میان دختران و پسرانیکه
 سالهای ۱۴ تا ۳۰ را میگذرانند دائماً در حال توسعه و افزایش است بطوریکه در سالهای ذیل
 خود کشی پسران جوان نسبت به مجموع خود کشیهای هر سال بدین ترتیب بوده است :

در سال	در هزار
۱۹۴۸	۶۵
» ۱۹۵۶	۶۵/۳
» ۱۹۵۹	۶۸

در میان دختران جوان نیز این افزایش روز افزون به ترتیب زیر بوده :

در سال	۵۰ خود کشی از طرف دختران	در هزار
۱۹۴۸	۸۹	۷۷
» ۱۹۵۶	۱۰۰	۸۹
» ۱۹۵۹	۱۰۵	۱۴۲

مطابق همین بررسیها تقریباً در طرف هر ۹ روزش خود کشی از طرف جوانان واقع
 میشود که چهارمقره آن مربوط به دختران و تنها دو فقره مربوط به پسران میباشد .
 پس از توجه به این آمار يك علت اساسی و مهم را در شیوه بروز افزون انتحار در میان
 جوانان یاد آوریم و آن ادغام پریشان و نابسامان و دردناک خانواده های امروزی است
 این علت نقش اساسی را در افزایش این انتحارها دارد .

محمد مجتهدی شستری

انتحار ... ۱

بلای نسل جوان

این مقاله را با مختصر تفاوت و تلخیص از
 مجله حضرة الاسلام (شماره نهم سال
 دوم) ترجمه کرده ایم و این مجله نیز آنرا
 از یکی از مجلات معروف اروپایی
 ترجمه و چاپ نموده است .

هنوز دو و نیم سال پیشتر از عمرش نمیگذشت آماری آزرده و درونی پر از اشک و
 نگرانی داشت ؛ عاقبت بگره زدنهای با خاطر مشاجر و کوتاهی با مادرش خود را از دستش آوارگان
 بر زمین پرتاب کرد و بزندگی سراسر عذاب و درد خود پایان داد ؛ او در روزهای بود که گریه
 در کارهای مدرسه جدیدت زیادی از خود نشان نمیداد ولی دارای هوش فراوان بود و توانایی
 هر گونه پیشرفت و ترقی را در خود احساس میکرد . بنا بر این انگیزه خود کشی او هرگز
 مربوط وضع تحصیلی نبود ، علی خود کشی وی عموماً از جهات دیگر زندگیش آید میخورد و
 در این کار وضع خانوادگی او تأثیر فراوان داشت .

دخترك هنوز خیلی كوچك بود كه پدر و مادرش بر اثر طایفی از هم جدا شده و کدام آنها
 بسر میبردند بدین ترتیب او نه از آغوش گرم مادر و نه از مهر و محبت پدر بهره ای نبرد .
 (این جوانه ایفناك و دهه ها فاضل آن ، حد امشکل اساسی و همس را برای ما طرح میکند
 و آن مسئله بی علائقی شدید نسل جوان امروز به زندگی و شروع روز افزون انتحار در میان
 این طبقه است .

معلوم است درك علل و اسباب این پدیده خطرناك اجتماعي كاری بسیار مشكل و مستلزم
 محاللات و تحقیقات دامنه دار است كه نوعاً برای ما هماغه مقدور نیباشد و بدین جهت است كه تحقیقات و
 بررسیهای عمیقیکه یکی از اسنادان برجسته دانشگاه دین « دین » در این باره به عمل آورده برای ما
 كمال ارزش و اهمیت دارد و بی شكه اگر اینگونه تحقیقات را لازمترین كار و اساسیترین مسئله

مقدمتاً باید بدانیم که بیشتر اوقات انتحار ممکن العمل يك حالت آني و ناگهانی میباشد که در روح انتحار کننده رخ میدهد (مانند طغیان يك النهاب عشق و تقاضای آن) ولی علاوه بر این عامل ، غالباً اوقات هم خودکشی مملول عدم رشد کافی و شخصیت تکامل نیافته افراد است که پیشه این اوضاع عموماً در دوران کودکی به وجود میآید ، حالت شدت با فرو نوبندی و مانند اینها که گاهی سبب دست زدن به خودکشی میگردد ، آنها عموماً در افراد بزرگه کارگر است در حالی که شیوع روزانه انتحار در میان کودکان و جوانان يك رشته علل و انگیزه های دیگر دارد که عموماً مربوط به همان اوضاع خانوادگی است . دکتر Ringel پیش بینی میکند که میزان انتحارهای مملول اوضاع خانوادگی روز بروز افزایش خواهد یافت مگر اینکه نسل جوان جدیدی در عرصه اجتماع بوجود آید که از سلامت نفس کامل روحی و تندرستی روانی برخوردار باشد برای درک نقش مهم وضع خانواده در این انتحارها بسیار مفید خواهد بود که به این آمار توجه کنیم : مطابق تحقیقاتی که شده در مدت ۱۹ ماه اخیر ۱۳۶ دختر دست به خودکشی زدند که از این رقم علت ۱۱۴ خودکشی ، اوضاع نابسامان و پریشان خانواده این دختران بوده بطوریکه سه چهارم این دخترها در سالهای بسیار حساس رشد خود از دست وجود پدر محروم بودند ، ۳۷ نفر از اینها پدران خود را در حین ازدست داده و بقیه افرادی بوده اند که پدر و مادرشان بر اثر طلاق یا در اثر اختلاف و کشمکش خانوادگی از یکدیگر جدا شده تنها سیر میبرده اند و کودکان آنها نه پدری نصیبشان بوده و نه دامن و آغوش پر مهر و محبت مادر این کودکان مادرانشان ناگزیر از کارهای منزل بوده در سالیکه ناپدری آنها هم هر روز جای خود را یکی دیگر تحویل میداده است ؛ در نتیجه این اوضاع پریشان خانوادگی شخصیت روحی کودکان از رشد و تکامل لازم محروم مانده است و

این اوضاع اسف انگیز خانواده ها علل خودکشی دختران و پسران جوان را برای ما بخوبی روشن میسازد و باید هر چه زود تر به خانواده ها ثبات و آرامشی بخشید تا انتحار این پلای نسل جوان ، کابوس وحشت خود را از احتیاجات غریبی بر دارد (۱)

(۱) در شماره گذشته مجله آمار های تکیان دهنده ای در بخش (بررسی مطبوعات) از خرابی اوضاع خانواده ها در ایران درج شده که با توجه به تحقیقات مقاله فوق الزامی اوضاع خراب در خودکشی جوانان ایرانی باید مورد توجه رهبران قرار گیرد و هر چه زود تر خانواده های ایرانی ثبات و آرامش خود را باز یابند .